

سرود پیکار و پیروزی

رسم و آداب یا پیشه نباید کرد
بیآنکه ز جان بسازی اندیشه نباید کرد

(فرخی بزدی)

حاکمه ۲۸ تن که در بیدارگاه نظامی فاشیستی محمد رضا شاهی جریان یافت نمودار روشنی از مبارزه صریح و بی پروا و دلآورانه خلق ما برضد رژیم پوسیده و وحکوم بزوال ایران است. عدای از فرزندان شایسته خلق مادرین بیدار از اجابا خود نیندیشند، بهیچ آینه پس از بازگشت از محکمه دویا ره در سیاهچال های سازمان امنیت دچار شکنجه گردند از فحایع این سا زمان چنانکار برده برگرفته و رژیم " انقلاب سفید " را از همه جانب کوبیدند. حتی سه تن از آنها (مسعود بطحا شکراله پاکداد ناصر کاخ ساز) ایمان خویش را به مارکسیسم لنینیسم با سرینلندی و دلیری اعلام داشتند و دریایان صحنه سازی محاکمه که حکم سازمان امنیت ابلاغ میشد سرود رنجبران جهان سرود پیکار و پیروزی طبقه کارگر سرود انترناسیونال سر دادند .

درد برآنها ! افتخار برآنها !
در کسری که - بقول پاک نژاد - " هیچکس در آنجا بحر سیاسی دستگیر نمیشود " (زیرا که دولت حاضر نیست هیچگونه انتقاد و فعالیت سیاسی را تحمل کند و لاف آن را محرم و جرم عادی بشمارد) ، درد آگاهی که - با زهم بقول پاک نژاد - " صرف اعتراض به صلاحیت دادگاه نظامی جسم محسوب میشود " پاک نژاد و یارانش فریاد خلق ایران را طنین انداز ساختند و در واقع ثابت کردند که آنکه برضد قانون اساسی ایران - این خونبهای هزاران شهید انقلاب - قیام کرد و آنکه باید بیای میز محاکمه و جویبه اقدام کشانده شود محمدرضا شاه است . دادستان در دفاع از سازمان امنیت و اثبات قانونی وی گفت که سازمان امنیت را قانون مقرر داشته است. ولی همانطور که متهمان گفتند چنین قانونی مبنای قانون اساسی است و کما که آن را وضع کرده اند به قیام و اقدام برضد قانون اساسی دست زده اند . دادستان گفتار یکی از متهمان را بطعنه تکرار کرد و گفت : " سخنان پاک نژاد سخنان توده های پاره رهنه ایران است " . وی البته میخواست از این طریق بی اعتباری سخنان پاک نژاد را نشان دهد . ولی چه اختفاری بالاتر از این که کسی سخنگوی توده های پاره رهنه ایران یعنی توده های از مردم ایران باشد . بیش از سی سال پیش ارانی درد آگاه نظیر دادگاههای گونی در جواب دادستانی نظیر دادستان گونی چنین گفت : " چقدر برای یک جامعه ننگین است که طرفی دارای رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات میشود ! ... مگر رنجبر تمام جزئیات حیات شمارا تامین نمی کند ؟ ... مگر اکثریت ملت ایران به نسبت نه دم رنجبر نیست ؟ این نوع تعقیب و محاکمه واضح میکند که شما نه فقط با توده مخالفید بلکه از آن سخت هراسانید " .

دادستان مدعی شد که گویا این جوانان پاک زان با پیرو از مرز ایران و عراق میخواستند اند با پیرو بختیار تماس بگیرند و پاک نژاد در جواب او تحقیرکنان گفت : " در پیرونده ماهیج نامی از سر لشکر بختیار نیست . دولت یک سال بعد از دستگیری نامی تصمیم گرفت مارا باین سر لشکر مرجع بچسباند " . ما فقط بخا این جرم به دادگاه آورده شد ما هم که میخواستیم با اسرائیل که در امیرالیسم در خاور میانه است پیکار کنیم . پاک نژاد افزود که قصد ما در پیکار بخاطر خلق فلسطین در عین حال متوجه رهائی خلق ایران بوده است زیرا که " انقلاب مقدس خلق ویتنام پیکار خلق های باسک و اسپانیولی و مبارزات خلق های امریکایی - لاتین و فلسطین و ایران بهم پیوسته است " . بقیه در صفحه ۳

زندگی و مبارزه طبقه کارگر ایران

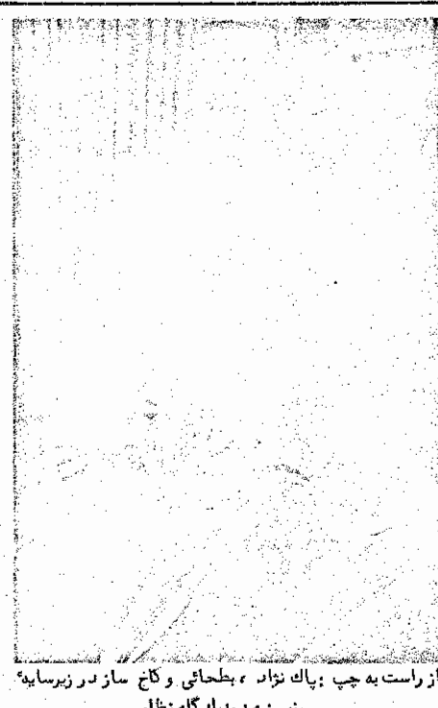
وضع طبقه کارگر ایران مانند عموم زحمتکشان بسیار اسفنا است. سازمان امنیت بجراید فرمانبرد استوارده است که در باره واقعیت زندگی این طبقه و مبارزات دلیرانه اش خاموش بمانند و برعکس در مورد روع بزرگ " سهیم کردن کارگران در سرور کارخانه " داد سخن بدهند. گماشتگان سازمان امنیت در مجلس نیز همین دستور را دریافت داشته اند. ولی وخامت زندگی طبقه کارگر ایران خویتر از آن است که بتوان تمام گوشه های آن را با دروغ های شاهانه پوشانید. چندی پیش در استنجو- یان در مقابل آقای " نیکو اوروزیم " که میخواست آنها را با کلمات " ایستائی " و " پویائی " و " همبستگی ملی " و غیره دچار سرگیجه گرداند و از توجه به فقر و رنج بی پایان توده های مردم بازدارد گفتند : " در یروز که ما از کارخانه " مقدم بازدید میگردیم به کارگرها برخوردیم که با حداقل ساعتی ۵ ریال و حداکثر ساعتی ۳۵ ریال مشغول کار هستند " . در همان هفتهها روزنامه " کیهان (۱۷ شهریور ۱۳۴۷) خبر داد که بسیاری از کارگران سازمان بنادر و کشتیرانی (بخش دولتی) که در هوای سوزان جنوب به کار طاقت فرسائی تن میدهند کمتر از ۸۵ ریال دستمزد دریافت میدارند . یعنی ماهیانه (با حذف روزهای جمعه) کمتر از ۲۴۰۰ تومان . وزارت کار بعنوان نتیجه مطالعات خودش اعلام داشت که حداقل دستمزد در نقاط مختلف کشور بین ۳۴ تا ۶۴ ریال یعنی ماهیانه حدود ۱۰۰۰ الی ۱۷۰۰ تومان است (اطلاعات ۱۳ خرداد ۱۳۴۷) . یکی از کارگران در دادگاه شماره ۲ دادرسی ارتش فریاد زد که " در سطح کارگران زیادی وجود دارند که روزی ۲۰ ریال دریافت میکنند و در برابر کارهای خالصه ماهیانه ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال و گرانی سرسام آفرینند " . (متن دفاعیه علیجان شامسی) . روزی یکی از نمایندگان مجلس بزبان آورده که ۷۷ نفر از کارگران ماهیانه کمتر از پنجاه تومان مزد میگیرند (اطلاعات ۱۴ اسفند ۱۳۴۸) . زندگی کارگران کارگاهها و بوژه کارگاههای فابریکائی بقدری رقت آور است که حتی گردانندگان رژیم لازم دیدند اشک تصامی برای آنها نثار کنند و خود محمدرضا شاه در شرای عالی اقتصاد گفت : " چه ما را جمع میکنند و از انکشان طرف این افراد بیچاره بی پناه کار میکنند و آنها روزی چهار پنج ریال بیشتر نمی دهند ... حتی شنیدم پدران و مادران خدمات اطفال خود را قبل از زایمان پیش فروش میکنند " (کیهان ۲۴ مهر ۱۳۴۷) ولی ناچیزی دستمزد کارگران برای روشن ساختن وضع آنها کافی نیست . باید به بالای بیکاری که توده عظیمی از کارگران را در بر میگیرد و آنها را تا مدت ها از همین دستمزد ناچیز نیز محروم میگرداند توجه کرد . در واقع محاسبه دستمزد طبقه کارگر وقتی بدرستی صورت می پذیرد که تعدا بیکاران و

مدت بیکاری آنها نیز بحساب آورده شود . اگر فقدان بیمه های مختلف و فقدان حقوق تقاعد را نیز در نظر بگیریم آنگاه روشن تر میگردد که رفیق طبقه کارگر ایران با چه استعمار بیرحمانه ای مکشیده میشود . بطور کلی هر جا که طبقات استعمارگر در حکومت اند هر تکه تکمیک از طرفی موجب افزایش شدت کار و از طرف دیگر موجب کاهش تعدا کارگران و بیکاری عده ای از آنها میشود . کسرسر سو نفت در دهساله اخیر در اثر نداشتن و خود کار شدن دستگاهها در معازار کارگر متخصص ایرانی را بخوابان ریخت و یا با حقوقی کمتر بکارهای سنگین غیر تخصصی گماشت . برخی از صنایع دولتی و خصوصی ایران نیز همین روش را داشتند و حتی خریداران بزرگ از کارخانه های دولتی قبلا شرط میکردند که بتوانند کارگرگران " زائد " را بدون قید و شرط از کارخانه بیرون ببرند . با این طریق امروز در کشور ما نه فقط سیلی از دهقانان پیشان روزگار بشهرها روان است بلکه هزاران کارگر بیکار در جستجوی کسار باین کارخانه و آن کارخانه و یا باین شهر و آن شهر روی می آورند . کاروان کارگرانی که به قضا و قدر تن میسپارند و بسه شهرهای جنوبی خلیج فارس ، به بحرین ، عمان ، کویت ، بصره ، ونیره رهسپار میشوند قطع شدنی نیست . اخیرا دولت از ترس وخامت این وضع در صد " مدور " کارگر به خارج برآمده و عده ای از رنجبران شریف ایرانی را باستثمار کشور نژاد پرست افریقای جنوبی و دولت آلمان غربی سپرده است . و این خود نشانه دیگری از این حقیقت است که رژیم محمدرضا شاه برای زحمتکشان ایران جای زندگی در وطن خویش باقی نگذاشته است . در کارگاهها و کارخانه های ایران بی قدرترین چیزها جا کارگر است . چه بسیار از آفرینندگان ثروت این کشور که در اثر حوادث کار ببار میسوزند ، اطفال میباشند ، از کار بی افتند و بسا بیکاره جان می سپارند . چندی پیش انفجار لوله گاز در منطقه بید بلند (خوزستان) موجب قتل ۵ نفر و زخمی شدن ۴۷ نفر کارگر گردید و حتی جرائد مزدور نیز نوشتند . بقیه در صفحه ۳

چین توده های و جنگ های عادلانه هندو چین

اعلامیه مورخ ۴ فوریه وزارت خارجه جمهوری توده ای چین در باره تجاوز جنایتکارانه امپریالیسم امریکا به لائوس نموداری از انترناسیونالیسم پرولتری و عزم راسخ خلق چین در پشتیبانی بی قید و شرط از جنگ عادلانه خلق های هندو چین است . در اعلامیه گفته میشود : " در واقع ماجراجویی جدید نظامی امپریالیسم امریکا در هند و چین از مدتها پیش طرح ریزی شده بود . دلایل موافقت نامه محرمانه ای است که از مدتها پیش بین مقامات پهنالی سایگین و نیروهای دست راستی لائوس و مسورد پشتیبانی امپریالیسم امریکا در باره ورود ویتنام جنوبی در لائوس وجود دارد . دولت نیکسون ، این جنایتکار عده مسئول گسترش این جنگ تجاوزکارانه است . دولت و خلق چین امپریالیسم امریکا را بنامیت جنایت جدیدش بر علیه خلق های سه گانه هندو چین شدیداً محکوم میکنند و مصمانه پشتیبانی اظهارات رسمی سخنگوی کمیته مرکزی جبهه میهن پرستان لائوس و وزارت امور خارجه جمهوری موکراتیک ویتنام و همچنین وزارت امور خارجه دولت انقلابی موقت ویتنام جنوبی و سخنگوی دولت پادشاهی متحد ملی کامبوج مورخ ۱ و ۲ و ۳ فوریه میباشند . امپریالیسم امریکا که تلاش میکند تا خلق های سه گانه قهرمان هندو چین را بوسیله گسترش جنگ تجاوزکارانه بانقیار خویش در آورد هرگز در کار خود کامیاب نخواهد شد . بیکمان خلق های مذکور او را به مجازاتی با زهم شدید تر خواهند رسانید . هفتصد میلیون مردم چین که پرچم انترناسیونالیسم پرولتری را افراشته نگه داشته اند هرگز به امپریالیسم اجازه نخواهند داد که در هندو چین به هر کار دلخواه خود دست بزند . این تعهد ما وظیفه ماست که از خلق های سه گانه هندو چین تا پیروزی کامل آنان در جنگ برضد تجاوز امریکا و در امر رهائی ملی کاملاً پشتیبانی کنیم آنها کمک تمام عیار برسائیم " .

از راست به چپ : پاک نژاد ، بطحائی و کاخ ساز در زیر سایه سر نیزه در دادگاه نظامی .



پیروزی باد مبارزه دلیرانه خلق های هندو چین

خلق ایران و طبقه کارگر ایران

پارهای از اعضا "جبهه ملی" گاهی به این "استدلال" متوسل میشوند که سازمان توفان همانطور که خود میگوید وی - نویسد فقط مدافع منافع طبقه کارگر است رجال آنکه ما "جبهه ملی" دفاع از تمام خلق، دفاع از تمام طبقاتی را که از سلطه امپریالیسم رنج میبرند و جبهه همت خود قرار داده ایم البته برای کسانی که برای نخستین بار با مسائل اجتماعی برخورد میکنند و از خصلت طبقه کارگر، آرمانهای وی و رسالت تاریخی وی آگاهی ندارند این "استدلال" فریبنده است و نمیتوانند افراد را از راه صحیح بدربرند و به گمراهی بکشاند.

در اینکه ما مدافع منافع و آرمانهای طبقه کارگر چه میگوئیم تردیدی نیست. اما آیا دفاع از منافع طبقه کارگر یعنی آن است که سازمان ما از منافع طبقات و قشرهای دیگر در قبال امپریالیسم و ارتجاع و یا به عبارت دیگر از منافع خلق ایران دفاع نکرده و نمیکند؟ اساساً آیا منافع و آرمانهای طبقه کارگر در این مرحله از انقلاب با منافع و آرمانهای خلق های ایران یکی نیست؟ آیا منافع و آرمانهای طبقه کارگر از دیدگاه تاریخی منافع و آرمانهای خلق زمتکس ایران را در بر نمیگیرد؟

در مرحله اول ادعای دوستان "جبهه ملی" مارتفاض فاحش را واقصیت است. سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان از همان آغاز پیدایش خود به شهادت صفحات ماهنامه توفان هیچگاه از دفاع از منافع طبقات و قشرهای گوناگون، از پشتیبانی از مبارزات آنها علیه دشمنان داخلی و خارجی باز نایستاده است. "ایران آزاد" ارگان "جبهه ملی در اروپا" از چه طبقه یا قشری دفاع کرده که سازمان ما با شدت برهانته و بی گویی بیشتری نکرده است؟ کدام سازمان سیاسی رادیکال حاضر میشناسید که در طول حیات خود بیش از سازمان توفان به پشتیبانی از مبارزات جزائیان و دانشجویان در خارج و داخل کشور، به پشتیبانی از سازمانهای دانشجویی و کفدراسیون دانشجویان ایران برخاسته باشد؟ آیا ما هیچگاه از دفاع از منافع دهقانان باز ایستادیم؟ اکنون بر همه کس روشن است که سازمان توفان در این مرحله از انقلاب دهقانان را که اکثریت عظیم خلق ایرانند مطمئن ترین متحد طبقه کارگر می - شمارد. بسیج و متشکل ساختن و کشاندن آنها را مبارزه و طبقه عمده خوش قرار داده است. بازم روشن است که بدون دفاع از منافع دهقانان، بدون آنکه خود را در خدمت آنان گذارت، از خواستهای آنها پشتیبانی کرد و برای تحقق این خواست ها در پیشاپیش آنها قرار گرفت نمیتوان اعتماد و اطمینان دهقانان را بدست آورد. تصور این امر که سازمان توفان دهقانان را نیروی عمده انقلاب بشناسد ولی دفاع از منافع آنها - برنخیزد، تصور باطل و بیهوده ای است.

سازمان توفان پیوسته برای تساوی کامل حقوق زنان با مردان در تمام زمینه ها، برای برانداختن ستم ملی و تامین حق خلق های ایران در تعیین سرنوشت خویش مبارزه کرده و میکند. بگواهی صفحات ماهنامه توفان ما حتی دفاع از منافع بورژوازی ملی ایران در برابر امپریالیسم و دولت دست نشانده آن را از نظر فرو نگذاریم. اینها واقعیاتی است که علیه ادعای دوستان "جبهه ملی" "رای میدهند. آن افرادی که برای مبارزه با سازمان توفان به اینگونه "استدلالات" دست می - زنند یا واقعا خود گمراه و ناآگاه اند، یا از عدم آگاهی جوانان برای دور کردن آنان از سازمان توفان و برانگیختن آنان علیه این سازمان سوء استفاده میکنند.

این واقعیت که سازمان توفان از منافع طبقات و قشرهای ضد امپریالیستی و ضد فتوالی دفاع میکند تصادفی نیست. دفاع ما از منافع تمام خلق ایران ناشی از وفاداری ما به آرمان های طبقه کارگر ایران است، ناشی از این امر است که هیچگاه و در هیچ مرحله ای از تکامل جامعه ما منافع طبقه کارگر ایران یا منافع خلق در تضاد نیست. البته مفهوم خلق طی مراحل تکامل جامعه ثابت نمیماند و محتوی آن بر حسب اینکه جامعه ما در چه مرحله ای از تکامل قرار گرفته، به حل چمتضاد های اساسی و عمده ای باید بپردازد تغییر میکند. ولی در چه حال هر چه باشد مفهوم و محتوی خلق، منافع طبقه کارگر همیشه در انطباق کامل با منافع تمام خلق است.

طبقه کارگر بنابرجهان بینی علمی خود هرگز درحاصل مسائل اجتماعی حتی مسائلی که با زندگی سخت و توانفرسای وی وابسته است بدنبال احساسات و تمایلات ذهنی نمیروید، کرد پندارهای واهی نمیگذرد، بلکه جامعه را از لحاظ درجه تکامل نیروهای تولیدی یا به عبارت دیگر بر اساس طبقاتی و مبارزاتی طبقاتی تحلیل میکند، مسائل خاصی را که باید در درجه اول بحل آنها پرداخت بیرون میکند، تمام نیروهای را که به حل این مسائل علاقه مندند گرد میآورد و مبارزه میکند.

امروز جامعه ما و بیش از همه طبقه کارگر از دو مشکل اساسی رنج میبرد و تا زمانی که این دو مشکل از ریشه و ریشه حل نشود میهن ما و مردم ما همچنان در فقر و عقب ماندگی باقی خواهند ماند. امپریالیسم و بقایای تولید فتوالی اینست و تضاد اساسی که قزلباش است راه را بر رشد نیروهای تولیدی کشور ما بسته اند. بدون برانداختن این دو تضاد سخنی هم از انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه سوسیالیستی که رسالت بلا مناع طبقه کارگر است نمیتواند بیان آید. از اینسو طبقه کارگر برای نیل به هدف نهائی خود یعنی ایجاد جامعه بدون استثمار و بدون طبقات، جامعه ای بدون ستم طبقاتی و ملی، در مرحله کوشش تمام تلاش خود را برای حل این دو تضاد بکار می اندازد. هر اندازه این دو تضاد ریشه های ترو کاملتر حل شود برای رشد نیروهای تولیدی میدان وسیعتری گشود خواهد شد و مقدمات لازم برای گذار به انقلاب سوسیالیستی، بیشتر فراهم خواهد آمد. بیهوده نیست که طبقه کارگر ایران بیش از هر طبقه یا قشر دیگری بحل قطعی این دو تضاد علاقه مند است. از اینجا است که منافع طبقه کارگر در این مرحله از انقلاب با منافع تمام طبقات و قشرهای ضد امپریالیست و ضد فتوالی در هم می آمیزد و از اینجا است که طبقه کارگر در مبارزه علیه امپریالیسم و بقایای شیوه کهن فتوالی، در کنار نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی قرار میگیرد و همراه با آنها و بعلت خصائل انقلابی خود در پیشتاپیش آنها تیر مشترکی را علیه دشمنان خلق در نیسال میکند.

روشن است که دفاع از منافع و آرمانهای طبقه کارگر در این مرحله از انقلاب (و نیز در مراحل بعدی آن) جز دفاع از منافع خلق ایران نیست و سازمان ما که دفاع از منافع طبقه کارگر و تحقق آرمانهای وی را جبهه همت خود قرار داده نمی تواند مدافع منافع و آرمانهای تمام خلق های میهن ما نباشد. این حقیقتی است که با هیچ پردازی نمیتوان آنرا پوشانید. اما این هنوز تمام نیست. سرشت طبقه کارگر به مبارزه وی خصلتی تا پایان انقلابی بخشد. طبقه کارگر جز دور یازوی توانا و سازنده سرمایه ای ندارد، از اینرو تنها از انقلاب و قیام توده ها نمی هراسد برعکس به استقبال آن می شتابد و در پیشاپیش توده ها جای میگیرد. پیروزی انقلاب فقط میتواند زنجیرهای اسارت را از دست و پای وی بردارد. اینست که خصلت انقلابی طبقه کارگر هرگز دچار فتور نمیشود، تزلزل و تردید نشان نمیدهد یا مصالحه و سازش با دشمن سازگاری ندارد. این خصائل انقلابی از موقعیت طبقه کارگر در تولید بر میخیزد. هیچ طبقه یا قشر دیگری دارای چنین موقعیتی نیست.

بورژوازی ملی ایران بعلت آنکه دارای وسایل تولید است و خود کم و بیش در استثمار دهقانان در روستا دست اندر کار است از صادره زمین های مالکین بزرگ بینناک است، از آنجائی که بنیه اقتصادی و سیاسی ضعیف است از قیام توده ها و انقلاب میترسد و هر موقع که نهضت انقلابی اوج میگیرد با دشمنان خلق، امپریالیسم و ارتجاع علیه توده ها سازشی کند. اینجاست که منافع او حتی در این مرحله نیز با منافع طبقه کارگر خلق زمتکس ایران در انطباق کامل نیست. تجزای دفاع از منافع طبقه کارگر و کوشش در تحقق آرمان های وی نمیتوان بخلق وفادار ماند، به میهن خود مهرورزی، سازمان ما چون بخلق و میهن خود مهر میورزد، به طبقه کارگر، بدانشروی و به آرمانهای وی روی آورده است. فقط طبقه کارگر میتواند خلق ایران و میهن ما را مرحله به مرحله در شاهراه ترقی و شکستگی رهنمون شود. حکم تاریخ چنین است.

در راه آزادی... بقیه از صفحه ۱ که ارتجاع سیاه را در تمام جبهه ها مستقر ساخت جامعه ایران و مبارزات خلق آن را به قهقرا برد و زنان ایران را نیز از پیشروی در راه تامین حقوق انسانی خویش بازداشت.

شاه وقتی چند تن از ندیده های اشرف پهلوی را در لیست نمایندگان مجلسین میگذارد یا وزارت منصوب میکند و آنرا بنشایه آزادی زن ایرانی جا میزند در واقع هیچ کسی را نمی فریبند. زنان ایران فقط با مبارزات خود و با شرکت در مبارزات خلق ایران بخاطر آزادی و استقلال میتوانند آزادی خود را بدست آورند و تساوی حقوق را به کرسی بنشانند. در مبارزه ای که هم اکنون چه در خارج و چه در داخل کشور علیه امپریالیسم و ارتجاع ایران جریان دارد، زنان و دختران سهم ارزنده خود را ایفا میکنند. یقین است که زنان و دختران ایران با الهام گرفتن از زنان و دختران بیت نامی فلسطینی و... شرکت خود را در مبارزه بیشتر وجدی تر خواهند کرد.

مارکسیست - لنینیست های ایران وظیفه دارند در جنبه زنان و دختران مبارزه و متشکل ساختن آنان از هیچ کوششی فرو نگذارند. البته این وظیفه دشواری است، دشوار است از آنجهت که از یکسو در میان زنان و دختران، بعلت عقیمانی جامعه مشکلات فراوانی پدید آمده و جسارت و بردباری بسیار می خواهد و از سوی دیگر باید ضمیر خود را از افکار "هر دانه" که خواه ناخواه تاثیر خود را باقی گذارده اند پاک کرد، باید بد خاطر سپرد که بدون شرکت زنان در انقلاب کار انقلاب بسه سرانجامی نخواهد رسید و بدون پیروزی انقلاب تحت رهبری طبقه کارگر زنان روی آزادی نخواهند دید.

در چشم دشمنان

یکی از زوایای زمانی در نامه ای مینویسد: توفان خاریست در چشم دشمنان طبقه کارگر ایران. این سازمان مارکسیستی - لنینیستی ایران به یمن انقلابی خلق و مبارزات پرافتخار طبقه کارگر ایران اقتدار را سرخ دارد و میکوشد حزب طبقه کارگر را - طبقه ای که پرچم انقلاب دمکراتیک ملی ما را بدوش میکشد - در روزه ایران احیا کند و درست بهمین دلیل است که توفان هیچگاه از حملات ارتجاع و ریزش بنیستهای چپ و راست مصون نبوده و این امری طبیعی است!

اینکه امروز توفان - زبان طبقه کارگر ایران - مسور در حملات، تهمت ها و تاساؤگوشی ها قرار گرفته بیزار از این نیست. حزب کمونیست ایران، گروه ارانی و حزب توده ایران تا آنگاه که به مارکسیسم لنینیسم وفادار بود نیز از این تهمت ها و افترا ها و... حملات ارتجاع در امان نبودند.

سازمان توفان مورد حمله اپورتونیستهای چپ قرار گرفته. چرا؟ برای اینکه از این راه بتوانند مثنی ضد انقلابی خود را "مرحله اجرا" در آورند بگذشت حزب توده، ایران را با بیلا ایندو شا یعه پراکنده کنند و با الحاق به سوسا زمانا منیت کام بردارند.

و برای انجام این مقصود هر نقتضی خرابکارانهای را اجرا میکنند. سخن پراکنی از قول این آآن فرد که "گها" عضو یا "سیانیزان" توفان است از شیوه های قدیمی و کهنه ایسن دشمنان سوگند خورده است.

دست این آقایان همه جا رور شده است. اینان هنوز که هنوز است از مبارزات طبقاتی، از مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه ماؤتسده بدین دم میزنند ولی در عمل به مقاصد مارکسیستی یاری میرسانند.

وظیفه امروز همه مارکسیست لنینیست ها افتضا چهزه این واخوردگان انقلابی ناست. تشکل در درون توقسان برای احیا حزب طبقه کارگر ایران وظیفه هر فرد - میساروز مارکسیست لنینیست است. تشکل در درون توفان برای مبارزه بی گیرتر با رژیم سرسیرده ایران، برای مبارزه با اپورتونیستها چپ و راست وظیفه همه هواخواهان طبقه کارگر است.

در تقویت توفان، وحدت و تشکل آن بکوشیم. نقش خرابکاراننه دشمنان خلق را از هر قضاکی که باشند افشا کنیم و وحدت سازمانی را چون مردمک چشم دوست بدریم.

پیروزی باد جنگ آزادی بخش خلق فلسطین

دروغ شاهانه

(از روزنامه کیهان بتاريخ سه شنبه ۱۵ دیماه ۴۹)
 ... در کمیته بازرگانی سازمان همکاری عمران منطقه
 در مورد خرید نزدیک به دو میلیون دلار گوسفند از ترکیه بوسیله
 ایران مذاکراتی انجام میشود .
 حال به سخنان لیلی حضرت توجه فرمائید :
 (از روزنامه کیهان بتاريخ دوشنبه ۵ بهمن ۴۹)
 ... ما اکنون بیش از ۶۰ تا ۷۰ میلیون گاو یا گوسفند
 داریم که ۳۰ میلیون آن زیاد است .

مشت نینوه ... بقیه از صفحه
 ویتام که دولت شوروی
 مدعی پشتیبانی "بی شائبه" آنست نمیتواند باشد . مادر اینج
 برای اینکه مشت از خروار نشان داده باشیم ترجمه مقاله ای
 را که در تاریخ اول نوامبر ۷۰ در نشریه "زانی" "سانکای شیبیژ"
 انتشار یافته و از طرف مؤسسه صلح برتراند راسل برای انتشار
 در اختیار گردیده "اکسپرس انترناشنال" گذارده شده است . از
 نظر خوانندگان عزیز میگردانیم :

"ماتوسای سخنگوی هیات نمایندگی اقتصادی
 کامبوج و معاون وزارت دارائی این کشور دیروز در سفارت
 کامبوج در ترکیه اظهار داشت که از کودتای ۱۸ مارس
 اتحاد شوروی به کامبوج کمکهای نظامی دیگری پرداخته
 است . ماتوسای اظهار داشت که :

"در کمکهای گوناگون دولت اتحاد شوروی به کامبوج
 پس از پایان دوران سپهانوک تخفیفی حاصل نگشته
 است . بلکه حتی نسبت به آذربایجان افزایش هم یافته
 است . کمکهای نظامی که قرار بر آن قبل از کودتای
 شده بود . اگرآ عبارتند از کامیونهای نظامی که پس از
 کودتا نیز بطور منظم تحویل داده شده است . تحویل
 این کامیونهای نظامی هنوز به پایان نرسیده است و
 بقیه آن بزودی خواهد رسید ."

بخشهای زیر بخش عمده حمایت شوروی از کامبوج
 را به عهد به دارند : انستیتیوی تکنولوژی کمکهای دولتی
 شوروی که محل آن در حومه شهر پنوم پن است . بیمار -
 ستان دوستی شوروی و کامبوج که بزرگترین بیمارستان
 پنوم پن است . استادان و کارهای پزشکی این موسسات
 از شوروی آمده اند .

در ۱۸ مارس امسال دولت سپهانوک بدتبال یک
 کودتا ساقط گردید . پیروان او با ویتنام شمالی وجبهه
 آزادی بخش ویتنام جنوبی عقد اتحاد بستند و به رژیم
 لون - نول اعلام جنگ دادند . از ماه مه چسبن نیز
 مبارزه سپهانوک را مورد حمایت قرار داد و روابط خود را
 با رژیم لون - نول قطع کرد . در آلمان پرسیده میشد
 که اتحاد شوروی چگونه سیاستی اتخاذ خواهد کرد .
 ولی دولت شوروی تا امروز نیز روابط دیپلماتیک خود را
 با پنوم پن حفظ کرده است .

البته در اواخر ژوئن وقتی اختلافات در کامبوج
 بالا گرفت ، حدود ششصد تکنیسین و مشاور شوروی به
 عنوان مرخصی برای دیدار وطن از کامبوج فرا خوانده
 شدند ولی چنانکه ماتوسای در گفتارهای مطبوعاتی خود
 اعلام داشت ، تمام این افراد منجمد ۸۵ پروتسور و
 سایر کارکنان انستیتیوی تکنولوژی مجدداً به پنوم پن
 بازگشته اند .

چنین بنظر میرسد که مناسبات شوروی با رژیم لون
 نول بخشی از مبارزه شوروی با چین را تشکیل میدهد
 دولت چین به پشتیبانی سپهانوک پرداخت ...

ولی دولت مخالف وی ، دولت شوروی با کشور
 های هندوچین نه تنها روابط سیاسی دارد بلکه به
 این کشورها کمک و همچنین کمک نظامی هم میکند . به
 همین دلیل حمایت شوروی از رژیم لون - نول در گذشته
 نیز قابل پیش بینی بود ولی افشا این واقعه سلسلاً
 خشم شدید چین و بطریق اولی ، ویتنام شمالی وجبهه
 آزادی بخش ویتنام جنوبی را بر خواهد انگخت .

پاسداری از ... بقیه از صفحه
 بویزه که در کشور عقب ماندگانه نیمه فئودال و نیمه مستعمرهای
 مانند ایران عرض وجود میکند .
 سرمقاله "آخر روزنامه" "بردم" بار دیگر مشی عسوی ضد
 انقلابی و ضد خلقی روزنیست های حزب توده "ایران را آشکارا"
 میگرداند . این مشی عبارتست از : دفاع از منافع سوسیال امپری
 یالیسم شوروی در سازش با آمریکا ، دریندوست با رژیم جایناکار
 محمد رضائیهی ، در سازش با ...

سابقاً روزنیست های حزب توده ایران فراز و نشیب
 روابط ایران و شوروی را در طی دوران گذشته چنین توجیه میکردند :
 "هروقت دولت های ایران مصالح ملی ما را آشکارا زیر
 پا گذاشته ، جنبش ملی و دموکراتیک ایران در اثر توطئه "امپری -
 یالیسم و ارتجاع موقتا سرکوب شد و سیاست تجارزکارانه "امپری -
 لیسم در عرصه جهانی تشدید گردیده ، مناسبات ایران و شوروی
 نیز به تیرگی گراییده است ." ("انقلاب اکثر ایرانیان" ص ۱۹) .
 اینکه که روابط تجارزکارانه کوملن با محمد رضاشاه از مرحله
 دوستی هم گذشته و به معاشقه کشیده است یا باید گفت که
 دولت محمد رضاشاه نگهبان مصالح ملی ایران است و جنبش ملی و
 دموکراتیک ایران بوسیله "ارتجاع و امپریالیسم سرکوب نمیشود و
 سیاست تجارزکارانه "امپریالیسم در عرصه جهان تخفیف یافته
 و یا باید این واقعیت را دید که شوروی امروز در پی اعمال کردن
 مصالح ملی ما ، در سرکوب جنبش ملی و دموکراتیک ایران همای
 امپریالیسم و ارتجاع ایران است و با سیاست تجارزکارانه امپری -
 یالیسم در عرصه جهان همداستان است .
 این واقعیت را با هیچ سفسطه روزنیستی و با هیچ
 دشنام و تاسزا نمیتوان پوشانید .

سرود پیلار ... بقیه از صفحه
 البته در دادگاه ۱۸ نفر افرادضعیفی نیز بودند و خاقان
 انگشت نمائی در صرف مشهمان نداشتند بود . پاک نواد در باره
 این شخص و دروغ پردازی ها و رقیق فروشی هایش گفت که
 "میخواستند است آزادی خود را بخرند" . ولی او در واقع شخصیت
 خود را فروخته و بربرگی سازمان امنیت را خریده بود . تا وقتی
 که هیئت حاکمه خائن تزاری ایران در مسند قدرت نشستند است
 از این گونه موجودات حقیر و پلید خواهد پرورد . هیئت مرکزی
 سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در قطعنامه خود مورخ
 تیرماه ۱۳۴۹ (توفان شماره ۳۵) بدستی نظردار که "احتمالاً"
 چنین خیانت هایی را در هیچ سازمانی نمیتوان منتفی انگاشت"
 وجود مردمان و خاقانان نه میتواند لنگهای برد امان نهضت جغستیا
 و نه میتواند راه را بر وی سد کند .

دادگاه ۱۸ نفر در واقع دادگاه محاکمه رژیم و محکومیت
 وی بود . رژیم محمد رضاشاه شکست سوزانی خورد . وی مشهمان
 رانهانی در زدید ، قریب یکسال در زندان نگهداشته بود وی -
 خواست آنها را مانند صد هانفرد دیگر بدون کترین آگهی آشکار
 عمومی محکوم کند . ولی هشپاری و مبارزه خلق ایران و سازبان
 های وی و بویزه افشاکاری های کفدراسیون محصلین و دانشجویا
 ایرانی از این جنایت پرده برداشت و دادگاه شه ساخترامجبوی
 ساخت که روزی به خارج بکشاید . در این دادگاه پس از سالها
 برای نخستین بار مشهمان به مبارزه آشکار بر علیه رژیم پهلوی
 وثابت کردند که شکجه گاههای سازمان امنیت قادر نیستند در
 اراده مردان مصمم جانناز خلقی وارد آورد . آنها "افسانه"
 وحشتی "را که سازمان امنیت در باره خود ساخته و پرداخته
 است بر باد دادند . ضربهای که آنها بر سازمان امنیت زدند
 ضربه ای کاری است .

چندی پیش از آنکه سرود پرشکوه انترناسیونال در دادگاه
 فاشیستی محمد رضاشاهی ظنین افکند شعار "انقلاب سرخ
 بجای انقلاب سفید" فضای تهران و بلکه سراسر ایران را پر
 ولوله ساخته بود . این ها نشانه "مرحله تازه ای در مبارزه خلق
 برفض حکومت کودتا است . البته سازمان امنیت که خطر مرگ
 خود و رژیم متوج خود را احساس میکند درنده مرحله خواهد کرد
 به جنایتکاریهای تازه دست خواهد زد و به خائن تراشی های
 جدید متوسل خواهد شد . ولی تاریخ را با هیچ جنایت و
 خیانتی نمیتوان جلوگیری کرد . از فداکاری و دانائی لایزال خلق
 نیرو بگیریم . مرحله جدید مبارزه را تدارک به بینیم . در احیاء
 حزب طبقه کارگر که ضامن رهبری صحیح و پیروزی
 استوار مبارزات خلق است بیش از پیش بکوشیم . پیروزی با ما است .

زندگی و مبارزه ... بقیه از صفحه
 که مسئول این حادثه
 مقاطعه کاران انگلیسی بوده است . در همین دی ماه گذشته در
 کارخانه نساجی شاهی (که با دعای آقای "نیکخواه رژیم"
 وضعیت کارخانه های بخش خصوصی بهتر است) هشتاد تن
 از کارگران با کاری که بمحوطه کار راه یافته بود مسموم شدند .
 در همان ماه در اثر برخورد قطاری که کارگران معدن سنگ آهن
 یزد را سرکار غیرت ... و نفر بقتل رسیدند و عده دیگری بسخنی
 مجروح شدند که شاید برخی از آنها تاکنون جان سیرد بهاشند
 و آنچه این مصیبت را جانخراش تر میگرداند وضعی است که این
 کارگران در موقع مسافرت داشته اند . از زبان یکی از بازماندگان
 بشنویم : " ما ۱۶۰ نفر بودیم که سوارواگان شدیم و از بس جا
 تنگ بود ناچار عده ای از کارگران بطور فشرده کارهم ایستادند
 ما از درون واگون هیچ چیزی را نمی دیدیم چون این واگون
 پنجره ای نداشت " ! اگر دولت ایران میخواست عده ای گاو
 و گوسفند را از نظهای بنفطه دیگر منتقل کند نمیتوانست سفر را
 بدر از این برای آنها تدارک ببیند ! گویا بمدگ همه کشتگان
 حادثه را در چاله بزرگی خاک کرده و لوحه ای با این عبارت
 در کارخان نصب کرده اند : " قربانیان دره خونین ایستگاه
 راه آهن یزد " . ولی باید این لوحه را بر سر خاک ایران زد
 و بر روی آن نوشت : " قربانیان رژیم محمد رضاشاه " !

ته ! طبقه کارگر ایران اگرچه در مبارزه با طبیعت ویا
 رژیم مستکار پهلوی قربانیان بسیاری داده نیرومندتر از همیشه
 بر پای ایستاده است . او گورکن رژیم محمد رضاشاه است .
 او سابقه مبارزاتی افتخارآمیز دارد . از عهد مشروطیت تا
 امروز هیچ نبرد بزرگ اجتماعی نیست که مهر و نشان او را بر
 پیشانی نداشته باشد . او در گذشته توانست حزب سیاسی و
 سازمان های صنفی نیرومند خود را بوجود آورد و مبارزاتی
 را که از لحاظ عمق و وسعت در تاریخ ایران نظیر نداشته
 است رهبری کند . در دوران رژیم خونریز کودتا نیز تمام تلاش
 های سازمان امنیت نتوانسته است مبارزات طبقه کارگر را خنثی
 سازد . طبقه کارگر ایران از تجارب گرانبهای برخوردار است
 یگانه طبقه ای است که میتواند تا آخر نماینده منافع خلق باشد
 و خلق را بسوی جامعه سوسیالیستی رهنمون شود . ایندو -
 لوزی علی مارکسیستی - لنینیستی از آنراست . سلاح او ست
 طبقه کارگر ایران پیوسته در رشد گی و کبھی است . ضعف
 طبقه کارگر ایران در عهد ان حزب طبقه کارگراست یعنی حزبی
 پیروسته از روزنیویسم - مجبزه به مارکسیسم لنینیسم و اندیشه
 ماتوسه دن ، در پیوند با طبقه کارگر و سایر توده های زحمت
 کش ، آماده برای فداکاری در راه آرمان مقدس طبقه کارگر .
 اما گسترش افکار مارکسیستی - لنینیستی در کشور ما علی رژیم
 رژیم خفه کننده پلیسی روزافزون است . نهضت مارکسیستی -
 لنینیستی روز بروز قوت و وحدت بیشتری می یابد و ناگزیر در پیرا
 زود به احیاء حزب طبقه کارگر منجر خواهد شد .
 سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان احیاء حزب طبقه
 کارگر در عرصه ایران را وظیفه میم خود دانسته و پیوسته با
 عزیزی راسخ در این راه کوشیده است و خواهد کوشید .
 درود به طبقه کارگر قهرمان ایران !

دو اثر انگلس از مارکس وانگلس

سازمان توفان بناسبت صد و پنجاهمین سالگرد میلاد
 انگلس دو اثر زیرین :
 ۱- "مانیفست حزب کمونیست" از مارکس وانگلس
 ۲- "لودویگ فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان"
 از انگلس
 رانجد بد طبع کرده است . آنها را از ماهنامه توفان بخواهید .

عنوان مکاتبات
 X GIOVANNA GRONDA
 24030 VILLA D'ADDA/ITALY
 حساب بانکی
 X GIOVANNA GRONDA
 CONTO 12470/11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO / ITALY

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتری است

بنسابت ۸ مارس روز بین المللی زنان

در راه آزادی زنان

اسارت زن در جامعه انسانی سابقه‌های بسیار کهن دارد. تضاد میان زن و مرد و اسارت زن در دست مرد مقارن با پیدایش طبقات و ستم طبقاتی است. یعنی دهقان است که جامعه انسانی و انسانها و حتی خود زنها با پندیده‌های ناهنجار و غیر انسانی خور گرفته اند و آنرا امری طبیعی و عادی می‌شمارند. از تجاع سیاه در قرن گذشته این بیداری را با تمام نیروی خود در مان زده است. یکی از بزرگان کیسا و فیلسوف دوران قرن وسطی میگوید: "سرنوشت زن آنست که در زیر پاشنه مرد زمست کند". ناپلئون نماینده بورژوازی تازه بدوران رسیدن فرانسه بر آن بود که "زن آفریده شده است برای آنکه بسرد ما باشد". گیوم دوم امپراطور آلمان زن را فقط شایسته طبخ، کیسا و زادن میدانست. امروز هم معان رئیس جمهور آمریکا امپروواتیو بدون احساس ندرای شرم اظهار میدارد: "سه عنصر را بزمخت میتوان رام کرد: احمق، زن و اقیانوس، ما در مورد دو عنصر نخست هیچ موفقیتی بدست نیآورده ایم". این اندیشه نه تنها طی دهها قرن در اندامان ریشه دوانیده و حتی در میان توده‌های مردم نیز بمثابة حقیقی مسلم تلقی میگردد، بلکه بر اساس آن نیز رفتار شده و میشود.

سرمایه داری زن را از محیط تنگ خانه به محیط تولید کشانید نه برای آنکه زن را از اسارت برهاند بلکه برای آنکه نیروی کار ارزان بدست آورد و سود بیشتری تحصیل کند. سرمایه داری که با شعار "برابری" میدان آمد در واقع نابرابری اجتماعی و اقتصادی به ارمغان آورد و همین نابرابری هم بدی مورد زنان صد اقی نیافتن منقعی مثبتی که سرمایه داری باز کرد این بود که زن را به صحنه اجتماع و مبارزه اجتماعی کشانید. شک نیست که زنان در مبارزه با مخاطرات احزاب مقام انسانی در جامعه موفقیت‌هایی بدست آورده‌اند ولی زن هنوز در جوامع طبقاتی با زنجیرهای دردست مرد است، حد اکثر آلهه عشق است تمام تبلیغات بورژوازی امپریالیستی در سرا سر جهان بر این محور میچرخد که این اندیشه را هر چه بیشتر در آن رسوخ دهد در گردونه تولید زنان پیش از مردان مورد ستیبر استثنای گران واقع میشوند آنها در برابر کار مساوی با مردان مزد کمتری دریافت میدارند.

در محیط خانواده وضع زن از اینهم وخیمتر است. در این محیط زن در زیر سلطه بی چون و چواری مرد دست و پا میزند از بام تا نام در سرمای زمستان و گرمای تابستان به کار توان - فرسای خانه میبرد از وی هرگز کارش بحساب نیامید. حتی زنانی که مانند مردان در اجتماع کار میکنند پس از ورود بخانه وظیفه دارند تمام امور خانه را از اینخت ویز گرفته تا شست و شویی و بچه داری برعهده داشته باشند. جان زن بویژه در کشورها عقب افتاده به پیشیزی نمی‌آورد. کافی است پدری و برادری، شوهری در باره دختر، خواهر و همسر خود گرفتار خیالات توهمات شود برای آنکه زن با زندگی خویشروا عگوید.

زن پیش از آنکه زن باشد انسان است و باید از حقوق انسانی بطور تام و تمام برخوردار باشد، اختلاف جسمانی به هیچوجه نمیتواند دال بر وجود تایزات اجتماعی باشد، نمی تواند حاکی از این باشد که زن در سطح پایین تری از مرد قرار دارد. بدون شک در جامعه کثونی بویژه در کشورهای غربی نظیر کشور ما زن عقب مانده است ولی این عقب ماندگی محصول وضع او در جامعه است و نه آنکه از سرشت او بر میخیزد. زنان نشان داده اند که در هیچ زمینه ای فروتر از مردان نیستند اینها همه سائلی منطقی و روشن است ولی سرشت جامعه طبقاتی که آکنده از قزنها و قزنها افکار و اندیشه های خرافی است هنوز حاضر به تسلیم در برابر حقایق و واقعیات نیست.

زنان ایران در دوران پس از شهریور و در زیر رهبری حزب توده ایران در مبارزات خلق نقش روز افزونی داشتند و با شرکت خود در مبارزات مخفی و علنی علیه دشمنان خلق شخصیت اجتماعی خود را نشان دادند و رژیم کودتا بقیده رصفحه ۲

پاسداری از رژیم کمون تاد ر لباسی مارکسیسم

چنانکه ملاحظه میکنید وظیفه میهن پرستان ایران سرنگو ساختن دولت نیست بلکه سوق دادن دولت در همین راهی است که در پیش دارد!

چنین است استدلال و نتیجه گیری کسانی که در لباس مارکسیسم بیاسداری از حکومت محمد رضاشاهی ایستاده اند! رژیمونیست حامی اند که در اثر نفوذ اقتصادی شوروی در ایران "دهقان راند شده از روستا کاروان بدست می آورد و در مقابل کوره ذوب آهن آبدیدگی طبقاتی کسب میکند". بنظر رژیمونیست ها "آبدیدگی طبقاتی" معلول پیشرفت تکنیک است نه معلول مبارزه طبقاتی که رژیمونیست ها مثل آتش از آن می‌بریزند. اگر استدلال رژیمونیست ها را بپذیریم باید از امپریالیسم انگلستان سیاستگزار بود که صد ها کیلو متریس بر هندوستان راه آهن کشید تا دهقان هندی در مقابل کسب کوره لوکوموتیو آن آبدیدگی طبقاتی کسب کند. باید دست امپریا - لیسم آمریکا را بشکرانه فنرد که کارخانه ذوب آهن در هندوستا ساخته تا کارگر هندی در مقابل کوره آن به آبدیدگی طبقاتی برسد. باید در برابر امپریالیسم آمریکا و انگلستان سرفرو آورد که صنایع نفت را در ایران بوجود آورد مانند تا زارع ایرانی در ا - یگانه آن از صافی طبقاتی بگذرد. اصولا دنیای استعمار زده باید برای استعمار دست بدعا باشد زیرا که امپریالیسم بنظور استعمار خلقها همه جا کورنه هائی از تکنیک معاصر را سرایت داده است.

این نظریه رژیمونیست ها که تکنیک را حلال مسائل اجتماعی می‌شمارند از مرجعانه ترین نظریات بقیده رصفحه ۳

مشت نمونه خروار است

رژیمونیستها مدعی اند که ککهای اقتصادی و نظامی سوسیال امپریالیسم شوروی به رژیمهای نظیر شاه، علیهمجنش های آزادی بخش شوروی نظیر ایران نیست. زیرا بقیده ر آنان گویا در این کشورها جنبش های آزادی بخشی وجود ندارد و الا هر کجا جنبش آزادی بخشی وجود داشته باشد، استحاد شوروی سیاست دیگری اتخاذ میکند و گویا این جنبش ها را از حمایت مادی خود برخوردار میسازد. آنها برای مثال جنبش آزادی بخش خلق ویتنام را به گواهی میکشاند که گویا از کمک "بی شائبه" اتحاد شوروی مستفیض است. آنان میگویند هرگونه مواضع سوسیال امپریالیسم شوروی با امپریالیسم آمریکا را در مورد ویتنام برده چینی کنند. ولی خیانت تزارهای جدید کرین به خلقهای هند و چین بزرگتر از آنست که در گامی در زیر سرش بمانند.

در ماه مارس سال گذشته سازمان جاسوسی آمریکا "سیا" در کامیج کودتای تنگینی برآه انداخت. رئیس قانونی این کشور، سپهانوک را از کار برکنار ساخت و قدرت دولتی در دستش را در دست گرفت. بدنبال این کودتای تنگ آور خلقهای هند و چین - ویتنام شمالی، ویتنام جنوبی، لاوس و کامبوج - اتحادیه ای علیه امپریالیسم آمریکا بوجود آوردند تا جنگهای آزادی بخش خود را علیه امپریالیسم آمریکا عم آهنگ سازند. رئیس قانونی کشور کامبوج، سپهانوک، در مهاجرت چیمپه آزادی بخش کامبوج و دولت بوقت کامبوج را تشکیل داد که از جانب تعدا زیادی از دول فدا امپریالیستی برسمیت شناخته شد. ولی اتحاد شوروی از برسمیت شناختن این حکومت قانونی خود داری ورزید و برعکس به سازش با درودسته لون - نسول این کودتاجی و سک زنجیری امپریالیسم آمریکا پرداخت و این درودسته تهبکار را از ککهای بی دریغ پزشکی، قبی و نظامی برخوردار ساخت. کثی در کامبوج جنبش آزادی بخشی نیست حال آنکه خلق کامبوج تاکنون قسمت اعظم سرزمین خود را از تسلط نیروهای ازجغائی بیرون آورده است.

علاوه بر این روابط دوستانه و ککهای کونگون شوروی نسبت به رژیم تایلند که یکی از مهمترین پایگاههای امپریالیسم خلقهای هند و چین - واز آنجمله تایلند است هر روز و خصوصاً در این اواخر گسترش بیشتری یافته است. بدیهی است که سازش با امپریالیسم آمریکا در کامبوج و تایلند عمل دوستانه ای نسبت به خلق بقیده رصفحه ۴

دفاع از قرارداد نواستعماری شوروی بر رژیمونیستهای حزب تود مایران دشو آریود. ولی از آن عهد میشد گذشت. از این جهت سرفقاله شماره اخیر "مردم" را بان اختصاص دادند. رژیمونیستها معتقدند که موافقت نامه های جدید مضمّن "مناصرتی نوین" است. رژیمونیستها بر آنند که توسعه روابط بازرگانی با کشورهای رژیمونیستی و بویژه اتحاد شوروی، هم اکنون "تحول کیفی" در چگونگی روابط بازرگانی و اقتصادی ایران با کشورهای خارجی و مرحله نوینی در رشد اقتصادی شوروی بد آورده است.

این بجه معنی است؟ بآن معنی است که روابط بازرگانی و اقتصادی ایران با کشورهای خارجی نظیر آمریکا، آلمان، فرانسه، ژاپن، انگلستان، ایتالیا و غیره - معقیده رژیمونیست ها - هم اکنون به تحول کیفی ناقل آمده است. بعبارت دیگر: روابط بازرگانی و اقتصادی کشورهای امپریالیستی با ایران در اثر معجزات بهبود روابط ایران با اتحاد شوروی، دیگر دارای کیفیت استعزاز نیست بلکه کیفیت "نوینی" دارد.

رژیمونیستها بر آنند که همکاری های ممالک رژیمونیستی با دولت محمد رضاشاه که گویا منجر به ساختمان - باصلاح آنها "صنایع کبیدی" شده هم اکنون "استروکورتایج مجموعه اقتصاد ایران را درگون میسازد".

بعبارت روشنتر: ساختمان صنایع ایران و مجموعه اقتصاد ایران در حال درگون شدن است، دیگر وابسته با امپریالیسم نیست و نخواهد بود، دیگر اقتصاد نیمه مستعمره نیست و نخواهد بسود.

بعقیده رژیمونیستها قرارداد نواستعماری ایران با شوروی علی رضم "مخالفت های آشکار و پنهان و در عین حال کاملاً طبیعی" محافل انحصاری، واکثر جنجالی و هیستریک خادمان نقابدار امپریالیسم، از طرف دولتی ایران امضا شده است.

بعبارت دیگر: محمد رضاشاه متقلو علی رغبنا افشهای آشکار و پنهان امپریالیست ها و در راس آنها امپریالیسم آمریکا بانصاف قرارداد های انقلابی پاکستان، سوسیالیستی، دست زده است. این نظریات رژیمونیست ها کمترین تمبیلی با تحلیل علی ندر ارد و خیانت آشکار به اصول مارکسیسم - لنینیسم است. مارکسیست ها - لنینیست ها در بررسی های خویش هرگز تحلیل طبقاتی را از یاد نمیرند و فراموش نمیکند که هیچگونه تحول کیفی در جامعه بدون تحول کیفی در دولت امکان پذیر نیست. این "مجموعه" اقتصاد ایران که بنا بدعای رژیمونیست ها درگون میشود بسود که ام طبقه یا طبقات درگون میشود؟ چگونه ممکن است که هیئت حاکمه ایران که مرکب از کپرادورها و مالکان بزرگ ارضی است و سرزای وجود تردر پیوند با امپریالیست هاست زمام حکومت را در دست داشته باشد و آنگاه امکان بدهد که "مجموعه" اقتصاد ایران "بزبان امپریالیستها بزبان کپرادور ها، بزبان مالکان بزرگ ارضی درگون پذیرد؟ پس نقش دولت - بزنله" ماشین فشار طبقه" معین - در این ماجرا چیست؟

بنظر رژیمونیست ها همین حکومت کثونی، همین حکومت خون آشامی که محمد رضاشاه در راس آن است اگر تا دیروز نماینده و مدافع منافع طبقات مستکرو استعمارکننده مواعیل امپریالیسم بود فردا میتواند نماینده و مدافع منافع طبقات ستم دید هواسنما زده و میهن پرست باشد. و اصولاً گویا وظیفه خلق ایران اینست که حکومت محمد رضاشاهی را از آن مواضع باین مواضع انتقال دهد و وسیله این انتقال عبارتست از بهبود روابط با کشورهای شوروی، واگذاری منابع ثروت کشورها به تزارهای نسوین روسیه!

اگر باورند آرید به نتیجه گیری سرفقاله رژیمونیست ها و وظیفه های که برای کیه" ایرانیان معین کرده است توجه کنید. سرفقاله میگوید:

" میهن پرستان واقع بین ... باید بکشند تا دولت را بیش از پیش در این راه سوق دهند و با استفاده از شرایط مادی مساعدی که کک های دوستانه کشورهای سوسیالیستی برای ایران فراهم میآورد در راه برانداختن نهائی سلطه انحصارهای امپریالیستی و تا مین استقلال اقتصادی و سیاسی کشور قدم بردارند."

مرک و ننگ بوا مپریالیسم آمریکا